نگاه هنرمند

در اهمیت جشنواره فیلم کودک

محمدعلی طالبی
کارگردان

■ اگر جشنواره فیلم کودک در ایران تعطیل شود، دودش به چشم بچه‌های این مملکت می‌رود. مدیران به خاطر داشته باشند که اگر این جشنواره تعطیل شود یا به طور ضعیفی برگزار شود، لکه ننگینی در کارنامه‌شان محسوب خواهد شد. در حالی‌که در تمام کشورهای دنیا جشنواره‌های کودک برگزار می‌شود و این جشنواره‌ها به صورت جداگانه‌ای تشکیل می‌شوند، مثلا در ژاپن، آلمان و بسیاری از شهرهای دنیا مثل شیکاگو، سانفرانسیسکو به هر بهانه‌ای برای بچه‌ها جشنواره مستقل تشکیل می‌دهند. به عنوان مثال در تونس کارناوال تشکیل می‌دهند و من در بسیاری از این جشنواره‌ها شرکت کرده‌ام. از بین آنها می‌توانم به جشنواره جی فونی ایتالیا و المپیای یونان اشاره کنم. همه این مثال‌ها نشان‌دهنده اهمیت جشنواره کودک در تمام دنیاست، در حالی‌که در ایران عده‌ای در این فکرند که اصلا جشنواره باشد یا نباشد؟! باید به جای این مسایل به فکر احیای جشنواره باشیم، تا جشنواره تشکیل شود و به سمت جلو حرکت کند. در سال‌های گذشته جریاناتی مزاحم این جشنواره شدند. مثلا در اصفهان یا همدان به بهانه‌های گوناگون برخی در تلاش بودند تا جشنواره را تعطیل کنند. جریانات خودسر یا هر نامی که دارند در دفتر جشنواره تظاهرات می‌کردند و هر سال جشنواره تحت فشار و ظلم قرار می‌گرفت. در حالی‌که تعطیل شدن یا از بین رفتن جشنواره به ضرر مملکت است و جشنواره باید حمایت شود تا گسترش یابد نه اینکه محدود شود. در سال‌های قبل مشکلات زیادی وجود داشت مثلا جشنواره محدود به همان شهری بود که در آن تشکیل می‌شد، فیلم‌ها حمایت نمی‌شد و بعد از جشنواره اکران هم نمی‌شدند، برنامه‌ریزی برای حضور بچه‌ها وجود نداشت و بچه‌ها نمی‌توانستند فیلم‌ها را ببینند، داوران نمی‌توانستند با فیلمسازان ارتباط برقرار کنند در حالی‌که ما فیلم می‌سازیم و در اختیار داوران قرار می‌دهیم ولی ارتباطی بین ما و داوران برقرار نمی‌شود. مجموعه عوامل ذکرشده دست به دست هم دادند که در ایران این جشنواره زیاد فعال نباشد. در حالی‌که در کشورهای دیگر مثل برلین ما هر سال شاهد پیشرفت جشنواره‌ها هستیم؛ حتی با وجود اینکه از لحاظ هرم سنی آلمان کشور جوانی محسوب نمی‌شود ولی به مسایل کودکان توجه ویژه‌ای می‌کنند. در حقیقت در همه جای دنیا بچه‌ها جدی گرفته می‌شوند و برای شادی آنها برنامه‌ریزی می‌شود. ایران هم کشوری است جوان که باید برای این نسل جوان برنامه‌ریزی شود. برای برگزاری یک جشنواره خوب و قابل قبول باید به چند نکته توجه کرد، اولین نکته برنامه‌ریزی برای برگزاری هر چه بهتر جشنواره است. استاندار هر شهری که برگزارکننده جشنواره است باید بتواند جریانات خودسر را کنترل کند و نگذارد این جریانات مزاحم جشنواره شوند و عده‌ای بیایند جلو در ورودی جشنواره تظاهرات کنند و برای جشنواره اختلال ایجاد شود. بنابراین استانداری باید به بهترین نحو از جشنواره حمایت کند. دومین نکته متوجه بنیاد فارابی و تصمیم‌گیران است. تصمیم‌گیران باید درهای جشنواره را به روی همه باز بگذارند نه اینکه عده‌ای خاص هر سال داور و هیات انتخاب باشند. از افرادی که در حوزه کودک فعالیت داشته‌اند مثل آقای مرادی‌کرمانی یا آقای فروزش باید استفاده شود. مدیریت را به کسانی بدهند که اهل این کارند و در این حوزه تخصص دارند نه کسانی که با مدیران نسب خانوادگی و فامیلی دارند. نکته سوم لزوم ارتباط صحیح با آموزش و پرورش است که بتوانند بچه‌ها را برای دیدن فیلم‌ها تشویق کنند و در آخر جذب فیلمسازانی که دارند برای حوزه کودک کار می‌کنند و احترام به این افراد تا بتوان فضایی را ایجاد کرد که جشنواره با این فیلمسازان ارتباط مناسبی برقرار کند.

خبر آخر

احمد نجفی:

ریاست شورای‌عالی سینما فقط با رییس‌جمهور است

■ **ایلنا:** احمد نجفی، عضو شورای‌عالی سینما می‌گوید که ریاست شورای‌عالی سینما فقط با محمود احمدی‌نژاد؛ رییس‌جمهور است. نجفی در گفت‌وگو با «ایلنا» با اشاره به این مطلب افزود: شورای‌عالی سینما یک رییس دارد که رییس‌جمهور است و یک قائم‌مقام دارد که وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی است و رحیم مشایی نیز به‌عنوان رییس کارگروه فرهنگ و هنر دولت در شورای‌عالی سینما شرکت می‌کند. وی ادامه داد: شورای‌عالی سینما دو نوع جلسه دارد: یکی جلسات تخصصی که با حضور اعضا و بدون حضور رییس‌جمهور برگزار می‌شود. این جلسات به صورت برنامه‌ریزی شده و گاهی هفتگی برگزار می‌شود. نوع دیگر جلسات، جلساتی است که با حضور رییس‌جمهور و هر سه ماه یک‌بار برگزار می‌شود. برنامه‌هایی که در جلسات تخصصی تدوین می‌شود در این جلسات مصوب می‌شود. نجفی تاکید کرد: با توجه به اینکه مصوبات این جلسات هم‌طراز با مصوبات هیات دولت است، ریاست این شورا نیز بر عهده رییس‌جمهور است و حتی رییس سازمان امور سینمایی نیز که براساس مصوبات این شورا تشکیل شده، زیرنظر رییس‌جمهور فعالیت می‌کند. وی ادامه داد: هفته آینده قرار است جلسه شورای‌عالی سینما با حضور رییس‌جمهور برگزار شود.

واقعه

شیر طلایی به فاوست رسید

ساسان گلفر: فیلم «فاوست» به کارگردانی آلکساندر سوکورف، فیلمساز روس برنده مهم‌ترین جایزه جشنواره ونیز، شیر طلایی بهترین فیلم شد. این فیلم برداشتی آزاد از تراژدی مشهور یوهان ولفگانگ گوته، شاعر و نمایشنامه‌نویس آلمانی و چهارمین فیلم از رشته فیلم‌هایی است که سوکوف در آنها به مضمون قدرت سیاسی پرداخته است. سوکوروف در سه فیلم قبلی این مجموعه هیتلر، لنین و هیروهیتو امپراتور ژاپن را به تصویر کشیده بود. در مراسم اختتامیه شصت و هشتمین دوره جشنواره ونیز که شنبه شب برگزار شد، جایزه شیر نقره‌ای بهترین کارگردانی را کای شانگجون، کارگردان چینی برای ساختن «مردم کوه، مردم دریا» دریافت کرد و خانم دئانا بیپ، بازیگر یک فیلم چینی دیگر که «یک زندگی ساده» نام دارد، برنده جایزه شیر نقره‌ای بهترین بازیگر زن شد. مایکل فاسبندر، بازیگر آلمانی برای بازی در فیلم بریتانیایی «شرم» به کارگردانی استیو مک کویین جایزه بهترین بازیگر مرد را دریافت کرد و هیات داوران این دوره به سرپرستی دارن آرونوفسکی – فیلمساز آمریکایی که فیلم «قوی سیاه» او سال گذشته فیلم افتتاح‌کننده جشنواره ونیز بود- جایزه ویژه‌اش را به فیلم ایتالیایی «ترافرما» به کارگردانی امانوئل کریالس اهدا کرد که داستانی درباره ورود مهاجران آفریقایی به یک دهکده در سیسیل است. جایزه بهترین فیلم بخش فرعی «افق‌ها» نیز برای ساختن درام روانشناختی «کوتوکو» به شینیا تسوکاموتو کارگردان ژاپنی ژاپن رسید. به این ترتیب آسیایی‌ها بیشترین سهم را از جوایز این دوره جشنواره ونیز امسال بردند. بازندگان بزرگ این دوره جشنواره سه نام مشهور – رومن پولانسکی با فیلم «کشتار»، جورج کلونی با «نیمه ماه مارس» و دیوید کراننبرگ با «راه و رسم خطرناک»- بودند که نام‌شان در روزهای گذشته مدام مطرح بود اما هیچ نصیبی از شیرهای جشنواره ونیز امسال نداشتند.

اتفاق

عتیق رحیمی درباره زنان افغانستان فیلم می‌سازد

شرق: این روزها ساخت فیلم با حضور سینماگران ایرانی دیگر اتفاق غریبی نیست. فیلم‌های مشترکی با حضور بازیگران یا عوامل پشت صحنه ساخته می‌شوند. مانند آخرین فیلمی که «عتیق رحیمی» نویسنده افغانی برنده کنکورد در فرانسه این بار با نام «سنگ صبور» می‌خواهد آن را بسازد. این فیلم محصول سال ۲۰۱۱ است که در ژانر درام و جنگ آن را می‌سازد. ملک جهان خزایی طراح صحنه شناخته شده ایران در حال همکاری با این گروه است که می‌خواهند در مراکش ساخت آن را به زودی آغاز کنند. این فیلم «سنگ صبور»نام دارد و به گفته ملک جهان خزایی «تنها نشانه‌ای که از افسانه سنگ صبور ایرانی در فیلم و داستان آن وجود دارد، مردی است که نفس می‌کشد و زنده است اما به مانند یک مرده بی‌حرکت خوابیده است. در این فیلم زنی تمام مشکلات افغانستان را در قالب زندگی خودش که از کودکی تا به حال بر او گذشته است روایت می‌کند. مشکلاتی که برای او و مادرش و دیگر زنان اطرافش افتاده، بازگو می‌کند. این فیلم به طرفداری از زنان در مقابل ظلمی که در طول تاریخ به زنان شده است، ساخته می‌شود. در این فیلم قرار است گلشیفته فراهانی هم بازی کند.»خزایی همچنین از اکران فیلم «شکارچی» به کارگردانی «رفیع پیتز» در ۲۹ کشور خبر داد. عتیق رحیمی نوسینده افغانی تبار ساکن فرانسه که به‌خاطر فیلم خاکستر و آتش جوایز بسیاری کسب کرده بود بار دیگر به فرهنگ و حوادثی که در کشورش روی داده پرداخته و به نظر می‌رسد از زبان نسل دیگری از افغان‌ها صحبت می‌کند. پیش از او خالد حسینی نویسنده افغان دیگر که ساکن آمریکاست با نگارش دو رمان بادبادک‌باز و هزاران خورشید تابان این راه را طی کرده است.

عکس: آیدین رهبر، شرق

ضیافت شمس در تالار وحدت برگزار شد

سماع تنبور و نوای قربانی

گروه فرهنگ و هنر، فرزانه ابراهیم‌زاده: دست‌ها با ضرباهنگ دور در سایه نور لرزان شمع روی تارهای تنبور فرود می‌آید و همنوا با بیتی از شمس می‌شود که ۸۰۰ سال پیش سروده است: «وقت آن شد که به زنجیر تو دیوانه شوم / بر سر دار کشم و از همه بیگانه شوم». گروه تنبور شمس همراه با علیرضا قربانی بار دیگر علاقه‌مندان به موسیقی سنتی را با «بر سماع تنبور» به ضیافت خود مهمان کرده‌اند.

وعده دیدار، شامگاه نوزدهمین روز از شهریور گذشته مرکز پایتخت، تالار ۴۰ ساله وحدت بود.

صحنه پر از شمع‌های روشنی است که در میان لاله‌های شیشه‌ای می‌سوزند و سالن را روشن می‌کنند. در پس‌زمینه صحنه‌ای با تصویر آسمان که گاه ماه تمام و گاه ستارگان بر دامن آن می‌درخشیدند اجرا با بداهه‌نوازی تنبور سهراب پورناظری آغاز می‌شود. این همان بخشی است که پورناظری کوچک پیش از اجرا گفته بود برداشت‌های ۱۲ ساله‌اش از همراهی با تنبور است. در میان ضربه‌های موزون تنبور و همراهی دف و دایره صحبت‌های این نوازنده جوان را به یاد می‌آورم که درباره بداهه‌نوازی‌هایش گفته بود: «برخی از تکنیک‌ها برای نخستین‌بار روی ساز استفاده می‌شود و تلاش کردم در کنار تاریخچه چندهزار ساله تنبور بتوانیم گامی رو به جلو روی تکنیک‌های ساز داشته باشیم.»

اما بداهه‌نوازی‌های پورناظری کوچک تنها بخش برداشت‌های این کنسرت از تنبور نبود. بعد از مجال کوتاهی همه اعضای گروه به روی صحنه می‌آیند و بخش اصلی با اجرای یکی از مشهورترین آثار گروه تنبور شمس یعنی قطعه افسانه تنبور آغاز شد.

اشعار این تصنیف که روی آهنگی از کیخسرو پورناظری تنظیم شده بود از معروف‌ترین اشعار مولانا بود آن‌جایی که می‌گفت «وقت آن شد که به زنجیر تو دیوانه شوم». قطعه «افسانه دل» از دیگر ساخته‌های کیخسرو پورناظری دومین بخش از این اجرا بود. اوج این همراهی آنجا بود که صدای قربانی با نوای تنبور پورناظری پدر همراه شد. با این شعر مولانا که سروده: ما را به جز خیالت فکر دگر نباشد / در هیچ سر خیالی ز این خوب‌تر نباشد.»کوی عشق از ساخته‌های جوان‌ترین عضو گروه سهراب پورناظری چهارمین قطعه این اجرا بود که با بداهه‌نوازی‌های تهمورث پورناظری به قطعه افسانه دل پیوند خورد.

اما قطعه اصلی بخش میانی این اجرا قطعه تنها سرو بود. قطعه‌ای که با صدای خوانندگان دیگری که با گروه تنبور شمس همراه شده بودند در سایر کنسرت‌های این گروه اجرا شده بود. این برای نخستین‌بار بود که قربانی این قطعه را اجرا می‌کرد. اجرایی که بی‌تردید یکی از درخشان‌ترین بخش‌های کنسرت بر سماع تنبور بود و همه حاضران با آن بیت مشهور ای عقل عقل عقل من ای جان جان جان من در جذبه آهنگ فرو رفتند و با اجرای این قطعه بخش دوم کنسرت هم به پایان رسید. بخش دوم کنسرت برای کسانی که کنسرت بهمن سال گذشته این گروه را همراهی کرده بودند نواهای آشنایی داشت. هرچند که تلفیق تجربه و خلاقیت جوانی که همیشه جزو خصوصیات اصلی گروه تنبور شمس بود باعث شد تا این اجرا بازهم برای علاقه‌مندان جذاب باشد. بخش اصلی قطعات قسمت پایانی از تهمورث پورناظری بود.

قطعه دل براساس نغمه‌ای از حمید متبسم، جان جهان و قطعه با شکوه «نور» براساس شعری از فریدون مشیری این بخش را تشکیل داد. قطعه «از عشق» براساس ساخته‌ای از سهراب پورناظری پایان‌بخش این کنسرت بود. قطعه‌ای پر از حرکت و آوا و نواهای گوناگون که با شور و حال خاصی اجرا شد. اما تشویق حاضران باعث شد تا این قطعه آخرین بخش کنسرت بر سماع تنبور نباشد. قطعه پر از رنگ کردی «ای وی یو» را نیز اجرا کردند. این شب، شب باشکوه برای کسانی بود که به دیدن همنوایی تازه گروه تنبور شمس و علیرضا قربانی آمده بودند.

فیلمبرداری روز رستاخیز به پایان رسید

شرق: پس از چندین سال پیش‌تولید فیلمبرداری فیلم سینمایی «روز رستاخیز» به کارگردانی احمدرضا درویش در تهران به پایان رسید. تدوین این فیلم هم اکنون در حال انجام است و قرار است درویش این مرحله از کار را تا پایان سال در لندن انجام دهد. بعید به نظر می‌رسد که «روز رستاخیز» در جشنواره فیلم فجر به نمایش در آید.

یهودی‌ها به انتخاب مل گیبسون اعتراض کردند

شرق: انتشار اخباری در مورد اینکه مل گیبسون قصد دارد فیلمی درباره یهودای مکابه، سردار یهود بسازد، با واکنش گروه‌های یهودی روبه‌رو شده است. اظهارات جنجالی او در گذشته، دلیل اصلی این اعتراض‌هاست. اتحادیه ضد افترا در نیویورک در بیانیه‌ای گفت: «امیدواریم برادران وارنر بتوانند فردی بهتر از مل گیبسون پیدا کنند.»

شاپور قریب فراموش شده، فراموش کرده

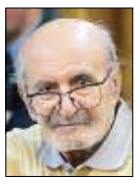

ایسنا: شاپور قریب کارگردان فیلم «هفت‌تیرهای چوبی» این روزها در شرایط بد جسمی و مالی روزگارش را سپری می‌کند. همسر این کارگردان گفت: «او چنان ضعیف شده که قدرت حرکت ندارد. تنها چیزهایی را از گذشته خیلی دور به خاطر می‌آورد و همه فکرش سینماست، چیزی که عشقش بوده و مرتب خود را بر سر صحنه می‌بیند.»

سازمان تئاتر، راه‌حل جدید تئاتری‌ها

شرق: «ما خانواده تئاتر نسبت به وضعیت کنونی تئاتر معترض هستیم و فکر می‌کنیم باید آن را تغییر دهیم. ما از آنچه امروز بر سر تئاتر و اهالی آن می‌آیید، ناخشنودیم.»اهالی تئاتر اول هفته در خانه هنرمندان بار دیگر جمع شده بودند تا حرف‌هایی را که از فرط تکرار، آشنا هستند، تکرار کنند. آمده بودند تا بار دیگر بگویند که وضعیت کنونی تئاتر مناسب نیست، معیشت‌شان در خطر است و حرف‌هایی که می‌زنند به گوش هیچ‌کس نمی‌رود. آمده بودند تا حرف‌هایی که همین امسال دو بار آنها را تکرار کرده بودند، بگویند.اما سومین جلسه خانه تئاتر در سال جاری یک تفاوت با جلسات دیگر داشت. انگار گفتن بارها و بارها، خود تئاتری‌ها را هم خسته کرده بود و این بار یک خواسته روشن را به جای بیانیه ۱۹ ماده‌ای و درخواست تجمع و دیدار با معاون وزیر و سایر مقام‌های دولتی داشتند: «تشکیل سازمان تئاتری». سازمانی که به نظر طراحان آن تنها راه برون‌رفت تئاتر از وضعیت کنونی است. این نکته‌ای بود که بهزاد فراهانی، عضو هیات‌مدیره خانه تئاتر هم به آن اشاره کرد: «در این مدت چالش‌های زیادی رخ داده است. بی‌سروسامانی که این روزها بر تئاتر سایه افکنده، چیز جدیدی نیست. اما هر روز بیشتر می‌شود تا جایی که این روزها به جاهای باریک‌تر هم کشیده شده است.»او با اشاره به اینکه می‌شود در این دوران تندتر پیش رفت اما راه‌حل‌های آرام‌تر را پیشنهاد بهتری می‌دانست.حسین کیانی، عضو هیات مدیره خانه تئاتر که بیانیه این جلسه را قرائت کرد، در بخشی از این نشست با گله از شرایط فعلی و عملکرد معاون وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی گفت: «معاون هنری راسا نماینده خود را به جلسات هیات بازبینی می‌فرستد و این عدم اطمینان وجود دارد و گمان می‌شود فسق و فجوری در حال رخ دادن است. این بی‌حرمتی به اهالی تئاتر است، چهار ماه به جشنواره مانده و تئاتر گرفتار بی‌ثباتی و سوءمدیریت است. دبیر استعفا داد و کسی نمی‌داند که چه کار باید بکند. ایرج راد، مدیرعامل خانه تئاتر هم با اشاره به مشکلاتی که همیشه وجود داشته است، گفت: سال‌هاست در تئاتر با مشکلات متعددی روبه‌رو بودیم حتی پیش از انقلاب هم مشکلات وجود داشت اما در این سال‌ها با مدیرانی روبه‌رو هستیم که نه تئاتر را می‌شناسند، نه با هنر سروکار دارند.

کتاب جدید موراکامی خواب را از کتابفروشی‌ها گرفت

شرق: هاروکی موراکامی ژاپنی بار دیگر کتابفروشی‌های همه دنیا را در قبضه جدیدترین نوشته‌های خود قرار داد و هنوز به‌طور کامل توزیع این کتاب کامل نشده پیش‌بینی می‌شود تا حدی تقاضا داشته باشد که کتابفروشی‌های آمریکا تا نیمه‌شب باز باشند.کتابفروشی‌های آمریکایی برای پاسخ به تقاضای احتمالی بالای مردم از سه‌گانه هاروکی موراکامی تصمیم گرفتند تا نیمه‌شب کار کنند. این آمادگی‌ها برای فروش ترجمه «1Q84»، سه‌گانه یک هزار صفحه‌ای این نویسنده ژاپنی، انجام می‌شود. گفته می‌شود، تقاضای آمریکایی‌ها برای این کتاب‌ها آنقدر بالا خواهد بود که ناشر آن از اکنون دستور چاپ دوم آن را صادر کرده است. عنوان این کتاب‌ها که در ژاپن نیز با استقبال چشمگیر کتابخوانان مواجه شد، کنایه‌ای به کتاب «۱۹۸۴» جورج اورول می‌زند. در زبان ژاپنی حرف «Q» انگلیسی به معنای عدد ۹ است. ناشران انگلیسی این اثر در آمریکا و انگلیس تصمیم گرفتند «جی روبین» و «فیلیپ گابریل»، دو مترجم همیشگی آثار موراکامی، به صورت همزمان ترجمه این کتاب را آغاز کنند و این مطلب موجب بعضی اختلاقات در دو ترجمه شد که با مشاوره با شخص موراکامی این مشکلات حل شد. «1Q84» اولین‌بار در سال ۲۰۰۹ به زبان ژاپنی منتشر شد و در موطن خالقش با استقبال زیادی روبه‌رو شد، تا حدی که در یک ماه اول یک‌میلیون نسخه از آن به فروش رسید. روبین یکی از مترجمان این نویسنده مطرح جهانی در تمجید موراکامی گفت: توانایی وی برای انتقال مفهومی خیلی معمولی به نحوی خارق‌العاده ستودنی است. توصیف او از خوردن ماست در نیمه شب یا بهترین راه درست کردن همبرگر همانی است که مرا عاشق کارهای او کرده است. موراکامی خیلی معمولی است، اما در عین حال متن‌هایی می‌نویسد که به طرز خنده‌داری با جزییات بیان می‌شوند. این به خاطر ژاپنی بودن او نیست؛ به خاطر این نیست که به ژاپنی می‌نویسد و مردم کشورش را دوست دارد. این مربوط به حس لحظه لحظه بودن در این دنیایی است که وی در ذهن خود دارد. وقتی کتاب «روزشمار پرنده کوکی» موراکامی به انگلیسی ترجمه شد، کسی مطمئن نبود در بازار کتاب جهانی جایی برای آثار یک نویسنده ژاپنی باشد؛ اما اکنون سوال بزرگی ذهن همه را نگران کرده که آیا این آخرین کتاب موراکامی است یا این نویسنده توانمند باز هم خوانندگان خود را خرسند می‌کند؟

گزارش تصویری

نمایشگاه آثار هنرمندان پرس‌بوک تحت‌عنوان «بدون مرز» در گالری سین افتتاح شد. در این نمایشگاه بیش از ۱۰ هنرمند این گروه آثار عکاسی و نقاشی خود را به مدت ۱۰ روز در معرض دید علاقه‌مندان قرار دادند.

سومین نشست اعتراضی خانه تئاتر در خانه‌هنرمندان برگزار شد. در این نشست هنرمندان تئاتر با اعتراض به وضعیت موجود تئاتر خواستار تغییر نظام اداری این هنر شدند. این بار یک خواسته روشن را به جای بیانیه ۱۹ ماده‌ای و درخواست تجمع و دیدار با معاون وزیر و سایر مقام‌های دولتی داشتند: «تشکیل سازمان تئاتری»/ عکس آیدین ر هبر، شرق

امروز ۲۱ شهریور روزی است که نخستین بار سینما به ایران آمد و روز ملی سینما نام گرفته است. به مناسبت این روز قیمت بلیت سینما در همه سالن‌های سراسر کشور نیم‌بها است. عزت‌الله انتظامی در صحنه‌ای از ناصرالدین شاه آکتور سینما

بیلبورد فیلم «ندارها» سومین بیلبوردی است که هفته گذشته تخریب و جمع می شد. «این جا بدون من» و «زندگی با چشمان بسته» پیش از این جمع شدند.

کلبه کوچک من

دو جمله کوتاه هستی (۵۲)

اردشیر خرمنکوب

■ یکی از بیشترین تاکیدهای خداوند در قرآن، تاکید بر تعقل و بصیرت و تفکر و تفقه مردمان است. و در نقطه مقابل، پرهیز از جهل و خرافه (پیروی کور از رویه نیاکان) و بی‌عقلی و مجادله بیهوده و بت‌پرستی و بی‌شعوری است. سوز خدا را می‌شود از فراوانی آیه‌هایی که با: «لایعقلون، لایتفکرون، لایشعرون، لایعلمون، لایفقهون و لایبصرون» خاتمه می‌پذیرند، حس کرد. یا آنجا که با تاکید «اکثرهم» به ابتدای این افعال، از هدر رفتن عمده عمر و استعداد بشر افسوس می‌خورد. حتی در جاهایی از قرآن، این افسوس، با نوعی نگرانی نیز همراه می‌شود: «أفلا تعقلون» چرا نمی‌اندیشید؟ پس خدایی که مخاطبان خود را به اندیشه و تعقل و تدبر می‌خواند و حتی از همه دعوت می‌کند که یک گشتی در چهارگوشه آفرینش او بزنند و ببینند آیا در کنجی دورافتاده، سستی و ضعفی می‌توانند پیدا کنند، تا با بزرگ‌نمایی آن، بر ادعای بی‌نقص بودن خلقت او بشورند، این خدا، نشان می‌دهد که خدای درستکار و صادقی است. عجبا که همگان در تنگنای بود و نبود خود، از تعقل و درایت می‌گریزند، اما او، در همه جا، صاحبان عقل و درایت را به داوری می‌خواند. هر کجا در قرآن ردپایی از اولوالالباب دیدید، بدانید که خداوند، صاحبان خرد را به کشف معمایی از هستی و قوانین حتمی خود ترغیب کرده است. این را همه می‌دانیم که حکومت کردن بر نفهم‌ها، بسیار ساده‌تر از حکومت بر فهمیدگان است. شاید به همین دلیل است که خداوند، با دعوت بشر به فهم و رشد، می‌خواهد او را از بردگی دیگران برهاند و اقتدار فطری او را احیا کند. خب، حالا بار دیگر همان پرسش ناتمام خود را تکرار می‌کنم. اینکه اندیشمندان، با تماشای شگفتی‌های تمام‌نشدنی اطراف خود، در گوشه‌ای از دفترچه فهم‌شان چه می‌نویسند: ...؟ خودم پاسخ می‌دهم. پاسخ من این است: هر اندیشمندی به فراخور میزان فهم و برداشت خود، چیزی می‌نویسد. یکی می‌نویسد: جانمی خدا. دیگری می‌نویسد: دوستت دارم خدا. یکی دیگر می‌نویسد: آفرین خدا. یکی هم می‌نویسد: الحمدلله و یا: فتبارک الله احسن الخالقین. سلام ای شب، ای صبح، ای سکوت، ای همه هستی. سلام بر شما ای فرشتگان بانشاط و به همه مقدراتی که شما با خود جابه‌جا می‌کنید. سلام بر کلبه کوچک من. و تنهایی. و خدایی که با من است. در همه جا و در همین کلبه کوچک و زندان غربت و سلام بر خدایی که خالق بزرگ‌ترین گوهر هستی است: گوهر محبت و عشق. معمولا همه ما، در تجسم خلق و آفرینش پدیده‌ها، به سراغ زمین و انسان و آسمان و کهکشان‌ها می‌رویم. به سراغ باد و باران و ابرها و از آفرینش محبت، این گوهر درخشانی که خدا به گردن همه پدیده‌ها انداخته، کمتر یاد می‌کنیم. محبت، همان اشتیاقی است که دانه را می‌شکافد و گیاه را به جنبش می‌آورد تا گل کند و بشکفد. همان که جنبندگان را به وجد می‌آورد تا همه استعداد خود را در طبق هستی گذارند. همان که از دیرباز به انسان هویت بخشود و طعم شیرین زندگی را به کام او درانداخت. همو که قاموس هستی را در کشف و رویت مقوله‌ای به اسم «فردا» بی‌تاب کرد. همو که در میان انسان‌ها، از قامت اسطوره‌ای به نام «مادر» درآویخت و ذات او را به تجلی درآورد تا فهم همگان را به غلظت محبت خدا اشارت دهد. ای خدا، جز محبت، آیا چه شاکله‌ای می‌توان بر تن هستی پوشاند؟ محبتی که از شأن خداوندگاری تو ساطع می‌شود و به کام تک‌تک ذرات عالم فرومی‌شود تا: حیات معنا پیدا کند. اکنون پگاه روز یکشنبه است. کبوتران آن سوی پنجره کلبه من بیدار شده‌اند و برای من آواز می‌خوانند. در صدای بال و پر زدن آنها و غریوی که از گلو بیرون می‌دهند و رفت‌وآمدی که هیچ تغییری در آن نمی‌بینی و زاد و ولدی که می‌کنند و دانه‌ای که در دهان جوجه‌های خود فرومی‌برند، جز جذبه‌های ناب شوق چه می‌توان مشاهده کرد؟ خدایا، شاکرم که صبح مرا در دل تاریکی، با واژگانی از مهر خود آمیختی. نصیب و روزی این ساعت من، ذکر مهر توست. که به همین خاطر، سپاس‌گزار بارش برکتی هستم که مدام بر بندگان خود می‌باری. با همین حس ناب، دریچه صدوشصت‌وپنجم سوره بقره را می‌گشاییم. نور شدیدی که از آن برمی‌جهد و به روی ما می‌تابد، متعلق به این کلمه‌هاست: «والذین امنوا اشد حبا لله» که البته عشق‌ورزی مومنان نسبت به خدای خود، پاسخ مختصری است به محبت غلیظ او. و عجب ملات گیرایی است محبت که واسطه دوستی میان بنده و خداست. در عالم، هیچ دوستی‌ای، بی‌ملات محبت، پایدار نمانده است. هیچ دوستی‌ای، به گرد پای دوستی بنده‌ای با خدای خود نمی‌رسد. همه دوستی‌ها، به اینجا که می‌رسند، رنگ می‌بازند و از شرم به پس پناهی می‌خزند.

ادامه دارد

دور ایران

■ سرنوشت دکور مجموعه «مختارنامه» به کارگردانی داوود میرباقری را رای و اظهارنظر عزت‌الله ضرغامی مشخص می‌کند.

■ رییس بخش نسخ خطی کتابخانه ملی از برگزاری یازدهمین دوره آیین بزرگداشت حامیان نسخ خطی در آبان ماه و برای نخستین‌بار در شهری غیر از تهران خبر داد.

دور دنیا

■ فیلمبرداری «عجله» ران هوارد از ۹ سپتامبر (۱۸ شهریور) آغاز شد و طبق برآوردهای اولیه دو ماه به طول خواهد کشید. این فیلم براساس زندگی «نیکی لادا» قهرمان اتومبیلرانی جهان ساخته می‌شود.

■ اجرایی از اثر ویلیام شکسپیر در هارلم نیویورک به صحنه می‌رود.